

دوشنبه 21 مرداد 1398 - 10 ذی الحجه 1440 - 12 آگوست 2019

اعدام "میرزا رضا کرمانی" به جرم قتل ناصرالدین شاه (1276 ش)



اعدام "میرزا رضا کرمانی" به جرم قتل ناصرالدین شاه (1276 ش)، میرزا رضا کرمانی در کرمان به دنیا آمد. در جوانی به تهران رفت و به دست‌فروشی و سمساری مشغول شد تا اینکه رفته رفته مورد اعتماد تجار تهران قرار گرفت. وی در سال 1268 ش پس از آشنایی با سیدجمال‌الدین اسدآبادی، سخت‌مذوب‌اندیشه‌ها و افکار او شد و از همان زمان، به فعالیت‌های سیاسی پرداخت. در پی استبداد و جور زمان ناصرالدین‌شاه قاجار و اخراج سیدجمال‌الدین اسدآبادی از ایران، میرزا رضا کرمانی بارها به گونه کتبی و شفاهی به ناصرالدین شاه و درباریان‌اش اخطار نمود که به جهت بی‌احترامی و ستمی که درباره سیدجمال‌الدین روا داشته‌اند، کشته خواهند شد. رژیم استبدادی قاجار، زبان تیز و حرکات اعتراض‌آمیز او را تحمل نکرد و میرزا رضا را به 5/7 ماه زندان محکوم کردند. میرزا پس از آزادی، راهی اسلامبول ترکیه گردید و با سید دیدار نمود. میرزا از اوضاع ایران بسیار نالید و سید او را به کندن ریشه فساد که همان ناصرالدین شاه بود، تشویق کرد. سرانجام شاه قاجار که در تدارک برگزاری جشن‌های پنجاهمین سال سلطنت خود بود، در 17 ذی‌القعدة 1313 ق برابر با 13 اردیبهشت 1275 ش با 3 گلوله میرزا رضا در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) در ری کشته شد. میرزا با بیان سخنانی در دادگاه فرمایشی، حقایق را بازگو نمود و شاه را رسوا کرد. سرانجام میرزا رضا کرمانی در روز دوم ربیع‌الاول 1314 ق برابر با 21 مرداد 1276 ش توسط دستگاه جبار قاجار به دار آویخته شد و به شهادت رسید. آخرین جمله میرزا این بود: "این چوبه دار را به یادگار نگه دارید، من آخرین نفر نیستم".

دستگیری سیدان‌کمینه مجازات‌ها و انحلال آن (1296 ش)، گروهی سری بود که در سال 1295 ش در تهران تشکیل شد و بنیانگذاران آن، تنی چند از طرفداران مشروطه بودند که پس از استقرار نظام جدید، مقاصد خود را دست‌نیافته دیدند و ناکامی مشروطیت را به سبب خیانت و بی‌کفایتی وزرا می‌دانستند. از این روی، تصمیم گرفتند با تشکیل گروهی به نام "مجازات" به پندار خود به مقابله با عناصر خائن، وطن‌فروش و نالایق بپردازند. البته در این پندار، اتکای آنها بر قضاوت شخصی بود. عنصر اجرایی این کمیته شخصی با نام کریم دواتگر بود که سالیان قبل، مامور ترور شیخ فضل‌الله نوری گردید که به این کار موفق نشد. پس از مدتی بین اعضای شورا اختلافات روی داد و شورا از بیم افشای اسرار کمیته، کریم دواتگر را کشت. پس از این حادثه، افراد دیگری به گروه راه یافتند و به سبب فراهم نبودن سیاست واحد و مستقل، اختلافاتی بین اعضای آن بروز کرد. از طرفی ضعف مالی نیز سبب شد که گروه به باج‌خواهی از ثروتمندان رو کند. هر چند این گروه، هراسی بزرگ در دل دولتیان افکند، دیری نپایید که در آستانه فروپاشی قرار گرفت. این شورا در اواخر کار، به دلیل تکروی در از میان برداشتن مخالفان خود، دچار چنددستگی گردید و یکی از اعضای اصلی که پیش‌بینی می‌کرد به سرنوشت کریم دواتگر دچار شود، از بیم جان خود، تشکیلات گروه را برای ژاندارمری افشا کرد. در نهایت، اعضای کمیته در 21 مرداد 1296 ش برابر با 23 شوال 1335 ق در دوران صدارت وثوق‌الدوله دستگیر، برخی اعدام و بعضی تبعید شدند. فعالیت در چارچوبی غیراصولی و هدفدار نبودن معیارهای تشکیلاتی، نفوذ افراد سست‌عنصر در گروه، ضعف مالی و وابستگی به ثروتمندان، نداشتن پایگاه مردمی به سبب برخی ترورها از جمله ترور میرزا حسن از علمای طراز اول تهران، از عوامل سقوط و فروپاشی کمیته مجازات بود.

حضرت ابراهیم (ع) در خواب، ذبح فرزندش را می‌بیند و پس از سه بار، این موضوع را با پسرش حضرت اسماعیل مطرح می‌کند. اسماعیل این دستور الهی را با آغوش باز می‌پذیرد و خود را برای اجرای آن آماده می‌سازد. پس از مهیا شدن ابراهیم و اسماعیل جهت انجام امر خداوند، از جانب پروردگار، قوچی جهت قربانی فرستاده می‌شود و این پدر و پسر از این آزمایش الهی، سربلند بیرون می‌آیند. از آن پس روز دهم ذیحجه به عید قربان نام‌گذاری شده است.

سقوط قلعه ری: شهر بخارا در مقابل حملات سپاهیان مغول (616 ق)، جنگیزخان مغول در ادامه‌های کشورگشایی‌های خود در ذی‌الحجه سال 616 ق به بخارا رسید و پس از سه روز محاصره، آن شهر را فتح کرد و آتش زد. چون بنای خانه‌های بخارا از چوب بود، همه‌های آن‌ها به جز چند سرای و مسجد که از آجر ساخته بودند، بقیه از میان رفت. جنگیز آن شهر را غارت و مردم آن را قتل‌عام کرد. وی سپس جوانان بخارا را به صورت لشکری انبوه و غیرمنظم با خود برد و از ایشان در کارهای غیرنظامی مانند پرکردن خندق‌ها و آوردن سنگ و چوب جهت انباشتن رودخانه‌ها و کارهای دیگر استفاده می‌کردند. جنگیز در بخارا چنان کشتار و خرابی کرد که چون یکی از فراریان آن شهر را درباره‌های این حادثه پرسیدند گفت: آمدند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند.

وقوع حادثه خنک: سید محمد باقر، حمرات (1436 ق)، فاجعه‌نا که حاصل عدم کفایت حکومت آل سعود در اداره امور حج است؛ به دلیل بستن راه حجاج در یکی از خیابان

تهلد "اِهَن به، نهف" خا، شنباب، فانسوی و کاشف، من خط مخه، (1801م) اوژن بورنوف خاورشناس فرانسوی و بزرگ‌ترین دانشمند سانسکریت‌شناس، در دوازدهم اوت 1801م در پاریس به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات متوسطه، در علم حقوق فارغ‌التحصیل گردید و ضمن اشتغال به عنوان وکیل دعاوی، به زبان و ادبیات مشرق زمین و شگفتی‌های سرزمین هند، علاقه‌مند شد. از این رو به فراگیری زبان‌های سانسکریت و پالی همت گماشت و به کار مطالعه و تحقیق روی آورد. این دانشمند جوان در ضمن مطالعه در کتابخانه ملی پاریس، به نسخه‌های کتب مذهبی زرتشتیان برخورد کرد که پس از مطالعه آن، توانست عقایدی را که بر اثر مرور زمان حتی در بین زرتشتیان، منحرف شده بود دوباره برقرار نماید. بورنوف در سال 1835م تفسیر یسنا را که يك متن مهم زرتشتی است انتشار داد و به كمك زبان سانسکریت آن را نوشت. وی با این کار علمی بزرگ، کلید و كشف رمز خواندن کتیبه‌های خطی میخی در زبان‌های ایران باستان را به دست دیگر دانشمندان داد. بورنوف هم‌چنین پس از مطالعات فراوان، کتاب بودا و مذهب او را به تنهایی و بدون كمك دیگران نگاشت و اثری بی‌نماند پدید آورد. بورنوف، از دانشمندان بزرگ سانسکریت‌شناسی بود و بر زبان‌های ایران باستان نیز تسلط داشت. بورنوف در دوران زندگی علمی خود، به عضویت مؤسسات علمی و انجمن‌های متعدد خاورشناسی درآمد و در دانش‌سرای عالی پاریس به تدریس پرداخت. اوژن بورنوف سرانجام پانزده روز پس از انتخاب به عنوان سردبیر فرهنگستان کتیبه‌ها و ادبیات فرانسه، در 28 مه 1852م در 51 سالگی درگذشت.

مگ "ج، ج استیفنس" مخٔ ٤ لکه‌موتو ه بدید آمونده، آه آهن، (1848م) جورج استیفنسون، مبتکر انگلیسی در 9 ژوئن 1781م در انگلستان به دنیا آمد. وی از کودکی به کارهایی از قبیل گاوجرانی و غیره پرداخت تا این‌که در يك کارگاه تعمیر ماشین‌های کشاورزی، به امور صنعتی آشنا و علاقه‌مند شد. در این هنگام بود که علاقه شدید خود را به مکانیک بروز داد و پس از تحصیل در این رشته، موفق به اخذ دانش‌نامه مهندسی گردید. استیفنسون از آن پس به فکر این افتاد تا با استفاده از نیروی بخار، وسیله‌ای برای حمل و نقل اختراع نماید. این فکر و تلاش خستگی‌ناپذیر او طی پانزده سال، در نهایت باعث اختراع اولین لوکوموتیو بخار در 25 ژوئیه 1814م گردید. اساس این لوکوموتیو، يك ماشین بخار و دیگ بخار بود. بخار تحت فشار، از دیگ وارد استوانه‌های می‌شد و فشار آن، پیستون‌ها را به پیش می‌راند. این حرکت با میله‌هایی به چرخ‌های لوکوموتیو منتقل می‌گردید و آن‌ها را به گردش درمی‌آورد. استیفنسون هم‌چنین برای مسیر حرکت این دستگاه، ریل راه آهن را طرح‌ریزی کرد و برای اولین بار، خط آهنی بین دو شهر انگلستان دایر نمود. پیش از آن، ریل‌ها با چوب ساخته می‌شد که واگن‌های اسبی بر آن حرکت می‌کردند. استفاده از ریل‌های چدنی، دامنه استعمال راه آهن را به کارهایی غیر از کارهای معدن نیز کشاند و در سال‌های بعد برای حمل بار و مسافر نیز مورد استفاده قرار گرفت. استیفنسون سرانجام در دوازدهم اوت 1848م در شصت و هفت سالگی درگذشت.

های منتهی به منطقه رمی جمرات توسط نیروهای سعودی و در نتیجه محبوس شدن جمعیت و تنگی نفس بر اثر فشار زیاد و ازدحام جمعیت و نرسیدن آب به زائرین مخصوصاً آن‌هایی که بیهوش شده بودند و دیر رسیدن امداد گران در مراسم رمی جمرات در «خیابان 204» نزدیک تقاطع با «خیابان 223»، در منطقه «منا، شهر مکه، عربستان سعودی رخ داده است. این حادثه در تاریخ 2 مهر 94 همزمان با عید سعید قربان روی داد که متأسفانه بیش از 4000 نفر از مسلمانان از سراسر جهان در این حادثه جان خود را از دست دادند. تعداد جانباختگان ایرانی در این حادثه 464 نفر اعلام شده است. در پی این حادثه، 3 روز عزای عمومی توسط رهبر معظم انقلاب در ایران اعلام شد. ایران با 464 جانباخته، بیشترین جانباخته شناسایی شده را در آسیا داشته است.